

# بازنگری در تعریف نظریه با رویکرد کتاب‌شناختی

فریده کعب‌عمیر\*<sup>۱</sup>، غلامرضا حیدری<sup>۲</sup>

مطالعات دانش‌شناسی

سال ششم، شماره ۲۰، پاییز ۹۸، ص ۷۵ تا ۹۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۵

## چکیده

برای نظریه تعاریف گوناگونی در متون ارائه شده است که با رویکرد کتاب‌شناختی و تحلیل محتوا قابل دسترسی هستند. این گوناگونی در کلیدواژه‌هایی که در تعاریف وجود دارند قابل مشاهده است. در این مقاله تعاریف موجود از نظریه در متون استخراج و با استفاده از روش تحلیل محتوای آن تعاریف، واژگان اصلی و مترادف و بسامد هر کدام محاسبه شد. تحلیل محتوای ۱۲۵ تعریف منجر به شناسایی ۹ واژه‌ی اصلی و ۶۷ واژه‌ی مترادف شد. واژگان اصلی یافت شده در این تحلیل محتوا عبارت‌اند از: مفهوم، تبیین، رابطه، پدیده، مجموعه، فرضیه، نظام‌مند، پیش‌بینی و روش. در نهایت، با رویکرد کتاب‌شناختی تعریف بازنگری شده‌ای از نظریه ارائه شد که نمایانگر مفهوم آن و واژگان اصلی دربرگیرنده‌ی این مفهوم در متون است. به‌طور کلی در تعریفی که در این پژوهش از نظریه ارائه شده است به رویکرد کتاب‌شناختی و تجربی گرایانه توجه شده است و به وجوه توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل به‌صورت فرایندی و در یک حالت سطح‌بندی در تعریف نظریه با استفاده از واژگان کلیدی توجه شده است.

واژه‌های کلیدی: تبیین، پدیده، رابطه، فرضیه، نظریه

۱. \* دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

faridehkaabomir@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران ghrhaidari@gmail.com

## مقدمه

نظریه‌ها ارکان اساسی علوم را تشکیل می‌دهند، زیرا تفسیرها، تحلیل‌ها و ادراک ما از پدیده‌های جهان واقعی در قالب نظریه‌ها صورت می‌گیرد. انسان بدون ذهن مسلح به نظریه، قادر به درک جهان پیرامون خود نیست. نظریه به داده‌ها و مشاهدات هر انسانی نظم و سازمان می‌دهد؛ بنابراین نظریه و نظریه‌پردازی یکی از عناصر کلیدی در جهان علم و دانش است به طوری که می‌توان گفت علم با پژوهش و نظریه‌پردازی پیش می‌رود. گرچه این نوع نگاه به نظریه در پیشبرد علم و دانش، رویکردی تجربه‌گرایانه است ولی به طور کلی نظریه محصول علم است. در پارادیم‌های مختلف مفهوم نظریه با توجه به پدیده‌ی مورد مطالعه متفاوت است. مفهوم نظریه در علوم انسانی و اجتماعی که پدیده‌ی مورد مطالعه‌ی آن‌ها انسان است و رفتار او در حین مطالعه تغییر می‌کند با مفهوم نظریه در علوم تجربی که پدیده مورد مطالعه‌ی آن موارد ثابتی مثل سنگ، آب و چوب است، متفاوت است (دانائی‌فرد، ۱۳۸۹).

بنابراین چیستی مفهوم نظریه سؤالی اساسی است اهمیت این سؤال تا اندازه‌ای است که امروزه بحث درباره‌ی چیستی و مفهوم آن فراتر از سطح آموزش عالی، در قالب‌بندی کرسی‌های نظریه‌پردازی پیش رفته است و در حال حاضر در سطح کلان کشور موضوع نظریه و نظریه‌پردازی به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مسئولان رده‌بالا و پایین کشوری مطرح می‌شود. به طور کلی مطالب ذکر شده ضرورت توجه عمیق به چیستی مفهوم نظریه را روشن‌تر می‌سازد. گرچه در جهت پاسخ‌دهی به این چیستی روش‌های متفاوت وجود دارند از قبیل ریشه‌شناسی اجزای سازنده کلمه نظریه در زبان‌های مختلف؛ بررسی تعاریف مختلف و تحلیل محتوای تعاریف و بیرون کشیدن اصطلاحات و عبارت‌های پربسامد؛ بررسی مترادف‌ها و کلمات نزدیک و مشابه نظریه مثل مشاهده، فرضیه، الگو و قانون؛ بررسی اصطلاحات پایه‌ی نظری و جایگاه نظریه در بین آن‌ها مانند فلسفه، فرا نظریه، پیش فرض، پارادایم، اصول، قانون، مبانی فلسفی، مبانی نظری، چارچوب نظری، رویکرد؛ و بررسی ترکیبات و کلمات مرکب با نظریه. ولی در این مطالعه روشن‌سازی این مفهوم با رویکرد کتابشناختی و به روش تحلیل محتوای متون صورت می‌گیرد. باید توجه کرد که با

به کارگیری این روش تعریف جامع و مانعی از مفهوم نظریه که مورد توافق و اجماع تمام صاحب‌نظران و اندیشمندان است، حاصل نمی‌شود، بلکه هدف این است که با رویکرد کتاب‌شناختی با استفاده از روش تحلیل محتوای تعاریف قابل دسترس از نظریه در متون و تحلیل بسامد واژگانی این تعاریف به چگونگی تعریف نظریه دست پیدا کنیم. علاوه بر این، نیاز به یادآوری است که دستیابی به این هدف به معنای کاربرد گسترده‌ی این تعریف در همه‌ی گروه‌های علمی از علوم تجربی تا انسانی و اجتماعی نیست و ضروری است به سایر وجوه بازنگری این تعریف جهت بسط کاربردپذیری آن در سایر علوم نیز توجه شود. هدف اصلی این پژوهش بازنگری در تعاریف مربوط به نظریه در متون و ارائه تعریفی نسبتاً جامع و مانع از نظریه بر اساس تحلیل محتوای تعاریف مورد بررسی است. اهداف دیگر عبارت‌اند از:

- شناسایی واژگان اصلی تشکیل‌دهنده‌ی تعریف نظریه؛
- شناسایی واژگان مترادف با واژگان اصلی تشکیل‌دهنده‌ی تعریف نظریه؛ و
- تعیین بسامد واژگان موجود در تعریف نظریه.

## روش

در این نوشته جهت دستیابی به اهداف پژوهش از دو روش مطالعه‌ی سندی و تحلیل محتوا استفاده شده است. روش مطالعه‌ی سندی، مطالعه‌ی متونی است که با اهداف پژوهش همپوشانی دارند. در تحلیل محتوا به تقلیل داده‌ها پرداخته، به آن‌ها ساختار و نظم داده می‌شود و توسعه‌ی تئوری تسهیل خواهد شد. تحلیل محتوا یک روش پژوهش کیفی و کمی است که کلمات و عبارات را در یک متن مورد بررسی قرار می‌دهد. در تحلیل محتوا پژوهشگر تکرار وقوع، معنی و ارتباطات کلمات و مفاهیم متن را معلوم کرده و سپس پیام‌های موجود در متن و پیام‌های نویسنده، مخاطبان و حتی فرهنگ و زمانی که کلمات و مفاهیم بخشی از آن هستند را استنتاج می‌کند. طی تحلیل پژوهشگر با تعیین طبقات به شمارش تعداد مصادیقی یا مثال‌هایی که در هر طبقه جای می‌گیرد می‌پردازد (حاج باقری، پرویزی و صلصالی ۱۳۹۶).

در این مطالعه ۵۰ مدرک (۴۲ مورد کتاب و ۸ مورد مقاله) که به تعریف نظریه پرداخته‌اند مورد بررسی قرار گرفتند. شیوه‌ی کار به این صورت بود که ابتدا منابع دربردارنده‌ی تعریف نظریه شناسایی شدند و سپس با مطالعه‌ی نسبتاً دقیق هر یک از آنها، تعاریف نظریه استخراج و ثبت شد (مجموعه‌ی تعاریف استخراج‌شده در پیوست قرار دارند). البته سعی شد تمام کتاب‌های فارسی‌زبان (نوشته‌شده یا ترجمه‌شده به زبان فارسی) قابل دسترس پژوهشگران از متون قدیمی گرفته تا جدید آن بدون در نظر گرفتن محدوده‌ی تاریخی خاص بررسی شوند، علت در نظر نگرفتن محدوده‌ی خاص تاریخی این بود که پژوهشگران نیاز داشتند به یک نگاه جامع از تعاریف نظریه در متون دسترس‌ی پیدا کنند و با توجه به آن نگاه به اهداف خود دست یابند.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد علت استفاده از تحلیل محتوا این است که یک روش قابل قبول در بررسی‌های متنی است که به تفسیر محتوای نهفته در متن می‌پردازد. پس از استخراج تعاریف نظریه، واژگان اصلی نشان‌دهنده‌ی مفهوم نظریه و سایر واژگانی که دلالت بر واژگان اصلی داشتند، نیز استخراج شدند. پس از استخراج واژگان فراوانی (بسامد) واژگانی که نشان‌دهنده‌ی مترادف و ارتباط معنایی با واژگان اصلی بودند محاسبه شد؛ بنابراین بر اساس بسامد واژگان نه تنها حضور واژگان نظریه، بلکه ارتباط بین واژگان نیز شناسایی شد و بر اساس بسامد واژگانی محاسبه‌شده مشخص شد کدام واژگان بیشترین نقش را در بیان مفهوم نظریه ایفا می‌کنند. لازم به ذکر است که شمارش واژگانی با نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۶ صورت گرفته است.

### یافته‌ها

در این پژوهش به منظور شناسایی واژگان موجود و بررسی بسامد آنها در تعاریف گوناگون از نظریه، ابتدا به بررسی و مطالعه دقیق این تعاریف در متون توجه شد. با توجه به متون در دسترس در حوزه نظریه، نظریه‌پردازی، روش پژوهش و سایر متون که به این تعاریف پرداخته‌اند در نهایت ۱۲۵ تعریف در قالب ۵۴۵ واژه در تعاریف به دست آمد. این واژگان

حاصل تحلیل محتوای تعاریف موجود در متون از نظریه است که نتایج این تحلیل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. بسامد واژگان به‌کاررفته و مترادف‌های آن‌ها در تعریف نظریه

واژه	واژگان مترادف یا هم‌خانواده	فراوانی (بسامد)
مفهوم	قواعد و اصول؛ قوانین؛ گزاره؛ قضیه؛ سازه؛ تعاریف؛ مقوله؛ ساخت؛ متغیر؛ واحد	۱۳۱
تبیین	تفسیر؛ توصیف؛ توضیح؛ تعریف؛ تشریح؛ بازنمایی؛ بیان؛ بازاندیشی؛ معنابخشی؛ درک؛ تجلی؛ بیانگر	۸۸
رابطه	روابط؛ ارتباط؛ مرتبط؛ همبستگی؛ تجانس؛ به‌هم‌پیوسته؛ میان‌کنش	۶۹
پدیده	رویداد؛ رخداد؛ پدیدار؛ وقایع؛ واقعیات؛ حقایق	۶۸
مجموعه	سری، چندین؛ تلفیق؛ کلیه؛ دسته؛ تعدادی	۶۱
فرضیه	فرض؛ مفروض؛ پیشنهاد؛ حدس؛ نظر؛ بینش؛ شناخت؛ تصور؛ گمان؛ دیدگاه، نگرش، ایده	۴۸
نظام‌مند	چارچوب؛ ساختار؛ نظام؛ منظم؛ مدون؛ سیستم؛ قلمرو؛ یکپارچه؛ سازمان‌دهی	۴۴
پیش‌بینی	قابل‌تعمیم	۲۶
روش	شیوه؛ ابزار، فرآیند؛ محمل	۱۰
جمع		۵۴۵

آنچه در جدول ۱ ارائه شده است واژگان کلیدی همراه با مترادف‌های و بسامد (فراوانی) آن‌ها در تعاریف گوناگون نظریه از متون معتبر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در کل ۹ واژه‌ی کلیدی همراه با ۶۷ واژه‌ی مترادف با آن‌ها در تعاریف نظریه از متون استخراج شده است. واژه‌ی مفهوم با مترادف‌های «قواعد؛ قوانین؛ گزاره؛ قضیه؛ سازه؛ تعاریف؛ مقوله؛ ساخت؛ متغیر؛ و واحد» با ۱۳۱ بار تکرار در تعاریف بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. واژه‌ی تبیین با مترادف‌های «تفسیر؛ توصیف؛ توضیح؛ تعریف؛ تشریح؛ بازنمایی؛ بیان؛ بازاندیشی؛ معنابخشی؛ درک؛ تجلی؛ و بیانگر» با ۸۸ بار تکرار در دومین جایگاه از نظر اهمیت در تعریف نظریه لحاظ شده است. سومین رتبه به واژه‌ی رابطه با مترادف‌های «روابط؛ ارتباط؛

مرتبط؛ همبستگی؛ تجانس؛ به‌هم‌پیوسته؛ و میان‌کنش» تعلق دارد. سپس واژه‌ی پدیده با فراوانی ۶۸ با مترادف‌های «رویداد؛ رخداد؛ پدیدار؛ وقایع؛ واقعیات؛ و حقایق» و واژه مجموعه با فراوانی ۶۱ با مترادف‌های «سری، چندین؛ تلفیق، کلیه؛ دسته؛ و تعدادی» به ترتیب در رتبه‌ی چهارم و پنجم هستند.

سایر واژه‌های کلیدی که به ترتیب در رتبه‌های ششم تا دهم قرار گرفتند عبارت‌اند از: واژه‌های فرضیه با فراوانی ۴۸ و مترادفات «فرض؛ مفروض؛ پیشنهاد؛ حدس؛ نظر؛ بینش؛ شناخت؛ تصور؛ گمان؛ و دیدگاه»؛ نظام‌مند با فراوانی ۴۴ و مترادفات «چارچوب؛ ساختار؛ نظام؛ منظم؛ مدون؛ سیستم؛ قلمرو؛ یکپارچه؛ و سازمان‌دهی»؛ پیش‌بینی با فراوانی ۲۶ و مترادف با «قابل‌تعمیم»؛ و روش با فراوانی ۱۰ و مترادفات «شیوه؛ ابزار، فرآیند؛ و محمل».

همان‌طور که وایت<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در کتابش بیان کرده، یک نظریه ایده‌آل دارای سه خصوصیت انتزاعی، تبیین‌گری و آزمون‌پذیری است. انتزاعی بودن در مورد طیف وسیع از وقایع یا پدیده‌ها قابل کاربرد است، خصوصیت تبیین‌گری این است که نظریه سعی دارد یک پدیده را توصیف و حتی پیش‌بینی کند و سرانجام این که نظریه باید با گردآوری داده‌های مناسب درباره‌ی یک پدیده یا موضوع و تحلیل آن آزمون‌پذیر باشد.

با توجه به نتایج جدول ۱ و توضیحات ذیل آن می‌توان خصوصیات نظریه ایده‌آل را اثبات کرد، زیرا همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است در مجموع واژگان مفهوم و پدیده که دربرگیرنده‌ی خصوصیت انتزاعی بودن نظریه هستند بیش‌ترین بسامد (فراوانی ۱۹۸) را به خود اختصاص داده‌اند و از نظر اهمیت واژگانی در تعریف نظریه، در اولویت اول هستند. خصوصیت تبیین‌گری در واژگان تبیین و پیش‌بینی از نظر اهمیت واژگانی در تعریف نظریه در اولویت دوم (فراوانی ۱۱۴) است و خصوصیت سوم یک نظریه ایده‌آل در واژه‌ی فرضیه نهفته است که هدف آن آزمون‌پذیری نظریه در جهت اثبات بودن نبود واقعیت مطرح شده در نظریه است. گرچه واژگان مهم دیگری در تعریف نظریه مطرح است که در جدول ۱

1. White

قابل مشاهده است ولی باید توجه کرد که سایر واژگان در خدمت انتزاعی بودن، تبیین‌گری و آزمون‌پذیری نظریه هستند.

یکی از پربسامدترین و کلیدی‌ترین واژه در تعریف نظریه، واژه‌ی مفهوم است. دویبن<sup>۱</sup> تحلیل خود از ارکان نظریه‌پردازی را با واژه‌ی مفهوم آغاز می‌کند. اگرچه مفهوم معانی متعددی دارد، اما دویبن (۱۹۷۸) از آن به‌عنوان «واحد» نظریه یاد می‌کند و مدعی است که «واحدها» ارکان سازنده نظریه‌اند؛ بنابراین اولین وظیفه در بخش چرخه دویبن و نخستین گام در روش‌شناسی نظریه‌پردازی، شناسایی واحدهای نظریه است که به‌عنوان مرحله تعیین مفهوم نظریه نیز شناخته می‌شود. همچنین، پژوهشگرانی نظیر لینهام<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و توراکو<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نیز معتقدند توصیف واحدهای (مفهوم) نظریه و چگونگی تعامل آن‌ها در دانشی که به‌وسیله‌ی نظریه حاصل می‌شود نقش مهمی ایفا می‌کنند.

نویسندگان زیر از واژه‌ی «مفهوم» و همچنین واژگان هم‌ریشه و یا مترادف آن «قواعد» قوانین؛ گزاره؛ قضیه؛ سازه؛ تعاریف؛ مقوله؛ ساخت؛ متغیر؛ و واحد» در تعریف نظریه بهره برده‌اند:

ادیبی و انصاری (۱۳۵۹)؛ نادری و سیف نراقی (۱۳۷۱)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ ملکاوی (۱۳۸۰)؛ باکلند<sup>۴</sup> (۱۳۸۲)؛ فیشر، اردلز و مک کچنی<sup>۵</sup> (۱۳۸۷)؛ اشرفی ریزی (۱۳۸۷)؛ مک‌دونالد و اشنبرگر<sup>۶</sup> (۱۳۸۷)؛ دینانی (۱۳۸۷)؛ دانایی‌فرد (۱۳۸۹)؛ ثنایی (۱۳۸۹)؛ صمدی (۱۳۸۹)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ استراوس و کرین<sup>۷</sup> (۱۳۹۰)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ کیس<sup>۸</sup> (۱۳۹۳)؛ ریمینی (۱۳۹۴)؛ حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ فرهنگ جامع وبستر (۱۹۶۹)؛ فرهنگ میراث آمریکایی (۱۹۶۹)؛ رینولدز<sup>۹</sup> (۱۹۷۱)؛ ماوتنر<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۶)؛

1. Dubin
2. Lynham
3. Torracco
4. Baekeland
5. Fisher, Erdelez, and McKechnie
6. McDonald & Stenberg
7. Strauss & Corbin
8. Case
9. Reynolds
10. Martens

کرلینجر<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)؛ باچاراچ<sup>۲</sup> (۱۹۸۹)؛ وایک<sup>۳</sup> (۱۹۸۹)؛ مری‌ام وبستر (۱۹۹۰)؛ مک‌نیل<sup>۴</sup> (۱۹۹۳)؛ فرهنگ لغت ایده‌ها (۱۹۹۴)؛ پرایس<sup>۵</sup> (۲۰۰۳)؛ پانچ<sup>۶</sup> (۲۰۰۹)؛ رملر و ریزن<sup>۷</sup> (۲۰۱۱)؛ و فرهنگ لغت تجارت (۲۰۱۶).

واژه‌ی «تبیین» که به‌عنوان دومین واژه‌ی کلیدی در تعریف نظریه مورد توجه نظریه‌پردازان است در آثار افراد زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

ادیبی و انصاری (۱۳۵۹)؛ کومار (۱۳۷۴)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ گیدنز (۱۳۷۶)؛ ملکاوی (۱۳۸۰)؛ فیشر، اردلز و مک کچنی (۱۳۸۷)؛ مک‌دونالد و اشبرگر (۱۳۸۷)؛ دیانی (۱۳۸۷)؛ دانایی‌فرد (۱۳۸۹)؛ ثنایی (۱۳۸۹)؛ صمدی (۱۳۸۹)؛ ابوالمعالی (۱۳۹۰)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ استراوس و کرین (۱۳۹۰)؛ حاجیانی (۱۳۹۱)؛ پاور<sup>۸</sup> (۱۳۹۲)؛ دانائی‌فرد و صارم (۱۳۹۳)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ ریمینی<sup>۹</sup> (۱۳۹۴)؛ ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ فرهنگ میراث آمریکایی (۱۹۶۹)؛ ماوتنر (۱۹۸۶)؛ کرلینگر (۱۹۸۸)؛ مک‌نیل (۱۹۹۳)؛ فرهنگ لغت ایده‌ها (۱۹۹۴)؛ فرهنگ واژگان آکسفورد؛ فریدمن (۲۰۰۳)؛ پانچ (۲۰۰۹)؛ رملر و ریزن (۲۰۱۱)؛ و فرهنگ لغت تجارت (۲۰۱۶).

به اعتقاد دوین (۱۹۷۸) دومین گام بعد از شناسایی مفهوم نظریه، مشخص کردن نحوه تعامل بین مفاهیم و روابط میان آن‌ها است که با تعیین قوانین تعاملی مفاهیم نظریه، این امر محقق می‌شود. قوانین تعامل نشان می‌دهند که چگونه مفاهیم تشکیل‌دهنده‌ی نظریه‌ی علمی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند. از نظر کارلایل و کریستنسن<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵) نظریه‌پردازی در گام نخست، با بررسی و مشاهده‌ی پدیده و توصیف آن آغاز می‌شود که این توصیف به شکل سازه‌ها یا مفاهیم بیان می‌گردد. به عبارتی جهت معنابخشی پدیده از قالب‌هایی تحت عنوان

1. Kerlinger
2. Bacharach
3. Weick
4. McNeil
5. Price
6. Punch
7. Rummler & Rynes
8. Pawar
9. Rimini
10. Carlile & Christensen



سازه یا مفهوم استفاده می‌شود تا درک و تجسم پدیده برای پژوهشگر فراهم شود. برقراری پیوند بین مفاهیم (عناصر سازنده‌ی یک نظریه)، گام نهایی (سومین مرحله) و مهم نظریه‌پردازی از نظر این دو نظریه‌پرداز است. در این مرحله پژوهشگران به شکل‌دهی روابط بین مفاهیم می‌پردازند.

همان‌طور که اشاره شد واژه‌ی رابطه یکی از واژگان کلیدی در تعریف نظریه از دیدگاه نظریه‌پردازان بوده است و اهمیت توجه به این واژه و واژگان هم‌ریشه یا مترادف آن «روابط، ارتباط، مرتبط، همبستگی، تجانس، به‌هم‌پیوسته و میان‌کنش» را می‌توان در آثار نویسندگان زیر مشاهده کرد:

مصدق (۱۳۵۰)؛ ادیبی و انصاری (۱۳۵۹)؛ نادری و سیف‌نراقی (۱۳۷۱)؛ کومار (۱۳۷۴)؛ اشرفی‌ریزی و کاظم‌پور (۱۳۸۷)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ ملک‌اوی (۱۳۸۰)؛ باکلند (۱۳۸۲)؛ فیشر، اردلز و مک‌کچنی (۱۳۸۷)؛ مک‌دونالد و اشنبرگر (۱۳۸۷)؛ دینانی (۱۳۸۷)؛ دانایی‌فرد (۱۳۸۹)؛ ابوالمعالی (۱۳۹۰)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ استراوس و کرین (۱۳۹۰)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ ریمینی (۱۳۹۴)؛ زوستاک<sup>۱</sup> (۱۳۹۴)؛ لاندین<sup>۲</sup> (۱۳۹۵)؛ ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ فرهنگ جامع وبستر (۱۹۶۹)؛ باچاراچ (۱۹۸۹)؛ وایک (۱۹۸۹)؛ مری‌ام وبستر (۱۹۹۰)؛ مک‌نیل (۱۹۹۳)؛ هارتل<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)؛ نیومن<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)؛ فریدمن (۲۰۰۳)؛ پانچ (۲۰۰۹)؛ رملر و ریزن (۲۰۱۱)؛ و فرهنگ لغت تجارت (۲۰۱۶).

یکی دیگر از واژگان کلیدی در تعریف نظریه واژه‌ی پدیده است. همان‌طور که دانایی‌فرد (۱۳۸۹) اشاره کرده، بی‌تردید تولید نظریه‌ی خوب نتیجه‌ی مطالعه‌ی وسیع پدیده‌ی مورد مطالعه، تفکر عمیق درباره‌ی آن و مفهوم‌سازی آن، تعیین نحوه‌ی عمل نظریه و تلاش برای طراحی یک مدل یا چارچوب نظری است که حاوی همه‌ی عناصر ضروری نظریه است و تبیین قابل دفاعی از پدیده را ارائه می‌دهد. نظریه به فرایند زیربنایی پدیده اشاره می‌کند و

1. Szostake
2. Lundin
3. Halter
4. Newman

متشکل از برهان‌های به‌هم‌پیوسته اما منطقی و متقاعدکننده است. واژه‌ی «پدیده» یا رویداد و رخداد در آثار اندیشمندان زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

مصدق (۱۳۵۰)؛ ادیبی و انصاری (۱۳۵۹)؛ نادری و سیف نراقی (۱۳۷۱)؛ کومار<sup>۱</sup> (۱۳۷۴)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ گیدنز (۱۳۷۶)؛ ملکاوی (۱۳۸۰)؛ فیشر، اردلز و مک کچنی (۱۳۸۷)؛ اشرفی ریزی و کاظم‌پور (۱۳۸۷)؛ ازکیا و دربان‌آستانه (۱۳۸۹)؛ ثنایی (۱۳۸۹)؛ دانایی فرد (۱۳۸۹)؛ ابوالمعالی (۱۳۹۰)؛ پاور (۱۳۹۲)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ استراوس و کرین (۱۳۹۰)؛ دانائی فرد و اکبری صارم (۱۳۹۳)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ ریمینی (۱۳۹۴)؛ لاندین (۱۳۹۵)؛ ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ کاپلان<sup>۲</sup> (۱۹۶۴)؛ فرهنگ میراث آمریکایی (۱۹۶۹)؛ دوبین (۱۹۷۶)؛ مری‌ام وبستر (۱۹۹۰)؛ مک‌نیل (۱۹۹۳)؛ فریدمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۳)؛ پانچ (۲۰۰۹)؛ رملر و ریزن (۲۰۱۱)؛ و فرهنگ لغت تجارت (۲۰۱۶).

واژه‌ی «مجموعه» در تعاریف نظریه توسط این نویسندگان به کار برده شده است:

مصدق (۱۳۵۰)؛ ادیبی و انصاری (۱۳۵۹)؛ نادری و سیف نراقی (۱۳۷۱)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ ملکاوی (۱۳۸۰)؛ باکلند<sup>۴</sup> (۱۳۸۲)؛ ساروخانی (۱۳۸۶)؛ کومار (۱۳۸۷)؛ فیشر، اردلز و مک کچنی (۱۳۸۷)؛ مک‌دونالد و اشبرگر (۱۳۸۷)؛ دیانی (۱۳۸۷)؛ دانایی فرد (۱۳۸۹)؛ ابوالمعالی (۱۳۹۰)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ استراوس و کرین (۱۳۹۰)؛ دانائی فرد و اکبری صارم (۱۳۹۳)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ رینولدز (۱۹۷۱)؛ ساترلند<sup>۵</sup> (۱۹۷۵)؛ ماوتنر (۱۹۸۶)؛ وایک (۱۹۸۹)؛ مری‌ام وبستر (۱۹۹۰)؛ مک‌نیل (۱۹۹۳)؛ فرهنگ لغت ایده‌ها (۱۹۹۴)؛ هارتل (۱۹۹۶)؛ و فرهنگ لغت تجارت (۲۰۱۶).

دوبین (۱۹۷۸) فرضیه را به‌عنوان پیش‌بینی‌هایی در مورد ارزش‌های واحدهای یک نظریه تعریف می‌کند که در آن شاخص‌های تجربی به‌جای واحدهای نام‌گذاری شده در هر قضیه

1. Komar
2. Kaplan
3. Friedman
4. Baekeland
5. Sutherland

به کار برده می‌شوند. فرضیه ویژگی یک مدل نظری برای نزدیک شدن به چیزهای قابل مشاهده‌ای است که نظریه در پی مدل‌سازی آنهاست. واژه‌ی «فرضیه» در تعریف نظریه مورد استفاده اندیشمندان و نویسندگان زیر بوده است:

مصدق (۱۳۵۰)؛ نادری و سیف نراقی (۱۳۷۱)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ ملکاوی (۱۳۸۰)؛ ساروخانی (۱۳۸۶)؛ فیشر، اردلز و مک کچنی (۱۳۸۷)؛ مک دونالد و اشبرگر (۱۳۸۷)؛ ثنائی (۱۳۸۹)؛ دانائی فرد و صارم (۱۳۹۳)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ لاندین (۱۳۹۵)؛ کاپلان (۱۹۶۴)؛ فرهنگ میراث آمریکایی (۱۹۶۹)؛ دوین (۱۹۷۶)؛ باچاراچ (۱۹۸۹)؛ مری‌ام وبستر (۱۹۹۰)؛ فرهنگ لغت ایده‌ها (۱۹۹۴)؛ نیومن (۲۰۰۰)؛ فرهنگ واژگان آکسفورد؛ و فرهنگ لغت تجارت (۲۰۱۶).

با توجه به این که در روش تحلیل محتوای واژگان موجود در تعریف نظریه، مجموعه و نظام‌مند از واژگان کلیدی هستند. در واقع نظام‌مندی ایده‌ها و انتزاعات به هم مرتبط زمینه خلق نظریه است. کرلینجر اشاره می‌کند که نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم است که از طریق نشان دادن روابط بین مت‌غیرها با هدف تبیین و پیش‌بینی، دیدگاه نظام‌مندی از پدیده را ارائه می‌دهد. واژه‌ی «نظام‌مند» با واژگان مترادف و هم‌ریشه‌ای مانند «چارچوب»؛ ساختار؛ نظام؛ منظم؛ مدون؛ سیستم؛ قلمرو؛ یکپارچه؛ و سازمان‌دهی» در آثار نویسندگان مورد اشاره در زیر به کار برده شده‌اند:

نادری و سیف نراقی (۱۳۷۱)؛ کومار (۱۳۷۴)؛ اشرفی‌ریزی و کاظم‌پور (۱۳۸۷)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ گیدنز (۱۳۷۶)؛ ملکاوی (۱۳۸۰)؛ باکلند (۱۳۸۲)؛ ساروخانی (۱۳۸۶)؛ فیشر، اردلز و مک کچنی (۱۳۸۷)؛ اشرفی‌ریزی (۱۳۸۷)؛ ازکیا و دربان آستانه (۱۳۸۹)؛ دانائی فرد (۱۳۸۹)؛ ثنائی (۱۳۸۹)؛ صمدی (۱۳۸۹)؛ ابوالمعالی (۱۳۹۰)؛ استراوس و کرین (۱۳۹۰)؛ دانائی فرد و صارم (۱۳۹۳)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ فرهنگ جامع وبستر (۱۹۶۹)؛ فرهنگ میراث آمریکایی (۱۹۶۹)؛ ساترلند (۱۹۷۵)؛ باچاراچ (۱۹۸۹)؛ وایک (۱۹۸۹)؛ مری‌ام وبستر (۱۹۹۰)؛ نیومن (۲۰۰۰)؛ فرهنگ واژگان آکسفورد؛ پانچ (۲۰۰۹)؛ و رملر و ریزن (۲۰۱۱).

یکی دیگر از واژگان کلیدی در تعریف نظریه، پیش‌بینی است که این مورد از طریق فرضیه صورت می‌گیرد و همان‌طور که دانایی‌فرد (۱۳۸۹) اشاره کرده، فرضیه‌ها گزاره‌هایی هستند در مورد آنچه انتظار می‌رود رخ دهد. هدف غایی نظریه، پیش‌بینی است که این عمل با تبیین پیوندهای علی بین مت‌غیرهای مستقل و وابسته بر اساس مجموعه‌ای از عوامل تبیینی، نتایج را پیش‌بینی می‌کند. کارل وایک (۱۹۸۹) مدعی است یک نظریه‌ی خوب قدرت تبیین و پیش‌بینی دارد؛ بنابراین از نظر کارل وایک نظریه وقتی نظریه است که قدرت پیش‌بینی و کنترل داشته باشد. واژه‌ی «پیش‌بینی» در تعریف نظریه مورد استفاده اندیشمندان و نویسندگان زیر بوده است:

ادیبی و انصاری (۱۳۵۹)؛ هومن (۱۳۷۴)؛ دلاور (۱۳۷۴)؛ ملک‌اوی (۱۳۸۰)؛ دیانی (۱۳۸۷)؛ دانایی‌فرد (۱۳۸۹)؛ ثنایی (۱۳۸۹)؛ صمدی (۱۳۸۹)؛ خنیفر و بردبار (۱۳۹۳)؛ حاجیانی (۱۳۹۱)؛ منصوریان (۱۳۹۳)؛ ادیب‌حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی (۱۳۹۶)؛ و کرلینگر (۱۹۸۸).

گرگور<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) به نظریه به‌عنوان یک روش‌شناسی و ابزار جهت شکل‌دهی نظام‌های مدیریتی در سازمان توجه دارد. از دیدگاه دانایی‌فرد، نظریه‌ها ابزار استفاده هستند و از طریق تخیل نظام‌مند، به پدیده‌ها معنا می‌بخشند که هم قابلیت توصیف و تبیین را دارد و هم در دامنه‌ای از پیوستار رفتار پدیده را موقتاً بازنمایی، توصیف، تبیین و تفهیم می‌کند. واژه‌ی «روش» در تعاریف نظریه توسط ملک‌اوی (۱۳۸۰)؛ مک‌دونالد و اشبرگر (۱۳۸۷)؛ دانایی‌فرد (۱۳۸۹)؛ ثنایی (۱۳۸۹)؛ کیس (۱۳۹۳)؛ کاپلان (۱۹۶۴)؛ فرهنگ میراث آمریکایی (۱۹۶۹)؛ و فرهنگ لغت ایده‌ها (۱۹۹۴) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

### نتیجه‌گیری

استفاده از واژگان کلیدی و تعیین حدود واژگانی جهت تعریف و درک یک مفهوم ضروری است باین‌حال نباید گمان کرد درک جامع و دقیق هر مفهوم و تعریف علمی در قالب مجموعه‌ای از واژگان علمی امکان‌پذیر است، زیرا واژگان همیشه نمی‌توانند شناخت عمیق

1. Gregor

و جامع از مسائل و مفاهیم علمی را به ما بدهند. تناقض ظاهری ذکر شده در محدودیت استفاده از واژگان جهت درک جامع و عمیق یک مفهوم به معنای رد نقش تأثیرگذار واژگان در روشن‌سازی یک مفهوم نیست، بلکه نکته‌ای است که نیاز هست در درک یک مفهوم با استفاده از بسته‌ی واژگانی مورد توجه قرار گیرد.

همان‌طور که در تعاریف موجود از نظریه در متون آشکار است علی‌رغم وجود اشتراکاتی در درک مفهومی نظریه بین اهل فن و صاحب‌نظران، اجماع کامل بر سر حدود واژگانی آن تعریف وجود ندارد؛ بنابراین با توجه به اهمیت نظریه و جایگاه والای آن در راهبری پژوهش‌های آینده و فراهم‌آوری زمینه‌ی گسترش دانش، ضروری است مفهوم آن به شکل روشن‌تری درک شود. رویکردهای متفاوتی جهت تعریف نظریه وجود دارند یکی از این رویکردها که در این پژوهش جهت درک مفهومی نظریه، مورد توجه پژوهشگران است رویکرد کتاب‌شناختی با استفاده از روش تحلیل محتوای تعاریف موجود از نظریه در متون است. در تحلیل محتوا متون مورد بررسی قرار می‌گیرند و بر اساس این بررسی تعریفی از نظریه ارائه می‌شود.

فرایند کار به این صورت بود که تا حد امکان سعی شود با توجه به منابع و متون در دسترس به بررسی مفهوم نظریه و وجوه و ویژگی‌های مشترک این تعریف در بین اهل فن توجه شود؛ بنابراین با بررسی و مطالعه‌ی دقیق متون و تحلیل محتوای تعریف نظریه در آن‌ها ۹ واژه‌ی کلیدی یافت شد که تا حدودی بین بیشتر نویسندگان این متون مشترک بود، البته در بررسی متون سعی شد به خود واژگان اصلی همراه با مترادفات آن‌ها توجه شود که نتیجه آن عبارت از ۹ واژه‌ی اصلی همراه با ۶۷ واژه‌ی مترادف از ۱۲۵ تعریف نظریه (مفهوم موجود در متون) از نویسندگان متفاوت است، به دست آمد.

واژه‌های اصلی و کلیدی در تمام تعاریف از نظریه عبارت‌اند از: مفهوم، تبیین، رابطه، پدیده، مجموعه، فرضیه، نظام‌مند، پیش‌بینی و روش. واژه‌ی مفهوم با مترادف‌های «قواعد؛ قوانین؛ گزاره؛ قضیه؛ سازه؛ تعاریف؛ مقوله؛ ساخت؛ متغیر؛ و واحد»؛ واژه‌ی تبیین با مترادف‌های «تفسیر؛ توصیف؛ توضیح؛ تعریف؛ تشریح؛ بازنمایی؛ بیان؛ بازاندیشی؛ معنابخشی؛ درک؛ تجلی؛ و بیانگر»؛ واژه‌ی رابطه با مترادف‌های «روابط؛ ارتباط؛ مرتبط؛

همبستگی؛ تجانس؛ به هم پیوسته؛ و میان کنش؛ واژه‌ی پدیده با مترادف‌های «رویداد؛ رخداد؛ پدیدار؛ وقایع؛ واقعیات؛ و حقایق»؛ واژه مجموعه با مترادف‌های «سری، چندین؛ تلفیق، کلیه؛ دسته؛ و تعدادی»؛ واژه‌های فرضیه با مترادفات «فرض؛ مفروض؛ پیشنهاد؛ حدس؛ نظر؛ بینش؛ شناخت؛ تصور؛ گمان؛ و دیدگاه»؛ نظام‌مند با مترادفات «چارچوب؛ ساختار؛ نظام؛ منظم؛ مدون؛ سیستم؛ قلمرو؛ یکپارچه؛ و سازمان‌دهی»؛ پیش‌بینی با مترادف‌های «قابل‌تعمیم»؛ و روش با مترادفات «شیوه؛ ابزار، فرآیند؛ و محمل» به ترتیب از نظر اهمیت وجودی آن‌ها در تعریف نظریه در اولویت‌های اول تا نهم قرار گرفته‌اند.

با توجه به نتایج حاصل‌شده‌ی در این پژوهش از تحلیل محتوای تعاریف نظریه در متون، می‌توان گفت که نظریه فرایندی روشمند و نظام‌مند است. در این فرایند عنصر پایه و اساسی مفهوم است که در قالب منطقی به صورت قضیه یا یک گزاره تنظیم می‌شود و این قضیه یا گزاره می‌تواند به فرضیه‌ای جهت آزمودن درستی یا نادرستی واقعیت موجود تبدیل گردد. آزمودن فرضیه در این فرایند جهت درک، پیش‌بینی، تبیین و کنترل پدیده‌ای است که با ارتباطاتی که با محیط خارج از خود دارد نهایتاً باعث خلق نظریه می‌شود. به‌طور کلی به نظریه و مفهوم آن در طول تاریخ به‌عنوان ابزار و روشی جهت بیان دانش و علم توجه شده و در این پژوهش با توجه به اهمیت این مفهوم در طول تاریخ به عناصری کلیدی که در تعریف نظریه از دید نویسندگان مختلف وجود داشته توجه شد و بازنگری از تعریف نظریه به صورت زیر ارائه شده است. نظریه عبارت از «مجموعه مفاهیم و گزاره‌های مرتبط به شکل روشمند و نظام‌مند با هدف توصیف و تبیین یک مفهوم، پدیده یا رخداد در ساختاری فرضی جهت پیش‌بینی یک واقعیت است». تعریفی که ارائه شد بر اساس تعاریف موجود در متون بررسی شده در حوزه‌ی نظریه و نظریه‌پردازی است که تنها از بعد کتابشناختی مورد تحلیل محتوا قرار گرفته‌اند و از نظر سایر وجوه به آن‌ها توجه نشده است گرچه از سایر وجوه می‌توان تعریف دیگری از نظریه عرضه کرد که از جایگاه قابل‌توجهی برخوردار باشد، به‌رحال نظریه ابعاد و وجوه نامحسوس دیگری دارد و در این پژوهش تنها یک بعد آن مورد توجه قرار گرفته است.

به‌طور کلی در تعریفی که در این پژوهش از نظریه ارائه شده است به رویکرد کتاب‌شناختی و تجربی گرایانه توجه شده است و به وجوه توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل به‌صورت فرایندی و در یک حالت سطح‌بندی در تعریف نظریه با استفاده از واژگان کلیدی توجه شده است. در این تعریف وجوه انسانی و اجتماعی مورد غفلت واقع شده و این تعریف دارای رویکرد جامع و فراگیر نیست بلکه دارای رویکردی سنتی نسبت به این تعریف است. به‌رحال این تعریف همانند تعریف ارسطویی سعی در جامع‌ومانع بودن دارد ولی نیاز است بر این تعریف از سایر وجوه و فراتر از تحلیل محتوا تأمل شود تا بتوان به اجتماعی نسبی در بین صاحب‌نظران از نظر مفهوم نظریه دست یافت و یک سامانه‌ی مفهومی درباره‌ی نظریه طراحی گردد تا سایر افراد جهت نظریه‌پردازی از این سامانه استفاده کنند و شاخص‌هایی جهت ارزیابی نظریه فراهم گردد. به نظر می‌رسد و نیز در مفهوم نظریه از دیدگاه متخصصین هر حوزه به تفکیک (علوم تجربی، انسانی و اجتماعی و فنی) و با به‌کارگیری سایر روش‌های کیفی و کمی (تاریخی، مصاحبه، هستی‌شناسی و سایر روش‌ها) بازنگری شود.

## منابع

- ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۰). *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*. تهران: علم.
- ادیب‌حاج‌باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق کیفی*. تهران: بشری.
- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود. (۱۳۹۵). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: جامعه.
- ازکیا، مصطفی و آستانه، علیرضا. (۱۳۸۹). *روش‌های کاربردی تحقیق (ج ۱)*. تهران: کیهان.
- استراوس، انسلم و کرین، جودیت. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینہ‌ای* (ابراهیم افشار زنجانی، مترجم). تهران: نشر نی.
- اشرفی‌ریزی، حسن و کاظم‌پور، زهرا. (۱۳۸۷). *روش تحقیق و گزارش‌نویسی: راهنمای عملی تدوین پایان‌نامه و رساله تحصیلی*. تهران: چاپار.
- باقری، خسرو، سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- باکلند، مایکل کی. (۱۳۸۸). خدمات کتابخانه در نظر و عمل (مرتضی کوبی، مترجم). تهران، چاپار.
- باکلند، مایکل کی. (۱۳۸۳). پنج چالش فراروی پژوهش‌های کتابداری (ترجمه ناهید طباطبایی). اطلاع‌شناسی، ۱ (۳)، ۱۵۷-۱۷۴.
- بیتس، مارس جی. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر فرانظریه‌ها، نظریه‌ها و الگوها (ترجمه غلام حیدری). کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۴ (۱۱)، ۱۸۵-۲۰۷.
- بیگدلی، زاهد و شاهینی، شبنم. (۱۳۹۳). پیچیدگی و تکامل مفاهیم اطلاعات و رفتار اطلاعاتی. تعامل انسان و اطلاعات، ۱ (۳)، ۱۸۲-۱۹۰.
- پاور، بی.اس. (۱۳۹۲). نظریه‌پردازی برای تعیین فرضیه در مطالعات سازمانی (حس دانایی فرد و بهنام شهائی، مترجم). تهران: صفار ثنایی، وحید. (۱۳۸۹). نظریه در مدیریت. بازیابی ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۵، از [VN2000.PERSIANBLOG:IR/1389/11](http://VN2000.PERSIANBLOG:IR/1389/11)
- حری، عباس. (۱۳۸۲). مروری بر مفاهیم و نظریه‌ها در قلمرو اطلاع‌شناسی. اطلاع‌شناسی، ۱ (۱)، ۳۴-۱۱.
- حسینی، رضا (گردآورنده و مترجم). (۱۳۸۷). نظریه‌پردازی: مفاهیم و استلزامات. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خنیفر، حسین و بردبار، حامد. (۱۳۹۳). درآمدی بر مدل‌سازی در علوم رفتاری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دانایی فرد، حسن و اصغری‌صارم، علی. (۱۳۹۳). گفتارهایی در نظریه‌پردازی توسعه منابع انسانی سازمانی. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۹). نظریه‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها. تهران: سمت.
- ..... (۱۳۹۲). استراتژی‌های نظریه‌پردازی. تهران، سمت.
- دلاور، علی. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر نظریه‌های اندازه‌گیری (روان‌سنجی). تهران: سمت.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.



بازنگری در تعریف نظریه با رویکرد کتاب‌شناختی

دیانی، محمدحسین. (۱۳۸۷). *نظریه‌سازی در تحقیقات علوم اجتماعی*. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای.

رویکردهای غیرپوزیتیویستی در بازنگری سرچشمه‌های مفاهیم و نظریه‌ها. بازیابی آذر ۱۳۹۵، از <http://www.hawzah.net/fs/Magazine/view/3814/3932/24422/>

رهادوست، فاطمه. (۱۳۷۴). *روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: سازمان اسناد ملی.

رهادوست، فاطمه. (۱۳۸۴). *مباحث نظری در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: کتابدار. ریمینی، دن. (۱۳۹۴). *واژه‌نامه مفهومی‌ها و موضوع‌های پژوهش (مرتضی کوکبی، مترجم)*. همدان: سپهر دانش.

زوستاک، ریک. (۱۳۹۴). *طبقه‌بندی علم (پدیده‌ها، داده‌ها، نظریه‌ها، روش‌ها، رویه‌ها)* (محمدرضا مختارپور و علی‌اکبر خاصه، مترجمان و غلامرضا حیدری، ویراستار). تهران: نشر کتابدار.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فیشر، کرن‌ای، اردلز، ساندا، و مک کچنی، لین. (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر فرانظریه‌ها، نظریه‌ها و الگوها*. در غلامرضا حیدری (مترجم)، *نظریه‌های رفتار اطلاعاتی*. تهران: کتابدار. شومینکر، پاملاجی، تانکارد، جیمز ویلیام و لاسورسا، دومینیک‌ال. (۱۳۹۰). *نظریه‌سازی در علوم اجتماعی* (محمد عبداللهی، مترجم). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. صمدی، هادی. (۱۳۹۰). *ساختار نظریه‌های علمی در علوم طبیعی و علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فیشر، کارن، اردلز، ساندا و مک کچنی، لین. (۱۳۸۷). *نظریه‌های رفتار اطلاعاتی* (فیروزه زارع، محسن حاجی زین‌العابدینی، غلام حیدری و لیلا مکتبی‌فرد، مترجمان). تهران: کتابدار.

کرایست، جان ام. (۱۳۶۵). *مبانی فلسفه کتابداری آموزشی* (اسدالله آزاد، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.

کریشان کومار. (۱۳۷۴). روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی (فاطمه رها دوست و فریرز خسروی، مترجمان). تهران: کتابخانه ملی ایران.  
 کومار، کریشان. (۱۳۸۷). خدمات مرجع (زاهد بیگدلی، مترجم). اهواز: دانشگاه شهید چمران.

کیس، دونالد. (۱۳۹۳). جست‌وجوی اطلاعات: بررسی تحقیقات درباره‌ی اطلاع‌یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی (زاهد بیگدلی، شبنم شاهینی، روح‌اله خادمی و سیده صدیقه طاهرزاده موسویان، مترجمان) (ویرایش ۲). اهواز: دانشگاه شهید چمران.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.  
 لاندین، رابرت ویلیام. (۱۳۹۵). نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی (تاریخ و مکتب‌های روان‌شناسی) (یحیی سیدمحمدی، مترجم). تهران: ویرایش.

محمدی‌استانی، مرتضی و شعبانی، احمد. (۱۳۹۶). نظریه و نظریه‌پردازی در علوم کاربردی با استفاده از روش‌شناسی عمومی لینهام (مطالعه موردی: علم اطلاعات و دانش‌شناسی).  
 فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۲۸ (۱)، ۱۵-۲۸.

مصدق، حمید. (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر روش تحقیق (ج ۱). کرمان: مدرسه عالی مدیریت کرمان.

ملکاوی، فتحی حسن. (۱۳۸۰). گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی (غلامرضا متقی‌فر و اسدالله طوسی، مترجمان). قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی.

منصوریان، یزدان. (۱۳۹۳). روش تحقیق در علم اطلاعات و دانش‌شناسی. تهران: سمت.  
 منصوریان، یزدان. (۱۳۹۲). جایگاه چارچوب نظری و مفهومی در پژوهش. بازیابی دی ۱۳۹۶، از <http://www.lisna.ir/Note/13452>

نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۷۱). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

نشاط، نرگس. (۱۳۸۴). پارادایم‌های نظری و نظریه‌پردازی در علم اطلاعات. *اطلاع‌شناسی*. (۲۳)، ۲۲-۳.

وایت، پاتریک. (۱۳۹۶). *صورت‌بندی سؤالات تحقیق: راهنمای پژوهشگران اجتماعی* (کاظم حاجی‌زاده، مترجم). تهران: جامعه‌شناسان.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۶۶). *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری: شناخت روش علمی*. تهران: پارسا.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۷۴). *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران: پارسا.  
یورلند، بیرگر. (۱۳۸۱ ج). *نظریه و فراتنظریه در علم اطلاع‌رسانی: تفسیری جدید* (مه‌دی داودی، مترجم). در علی‌رضا بهمن‌آبادی (ویراستار، گردآورنده و مترجم)، *مبانی تاریخیچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی* (ص ۴۲۵-۴۴۸). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (نشر اثر اصلی، ۱۹۹۸).

## References

- Kerlinger, F. (1973). *Foundations of Behavioral Research*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Pettigrew, K. E., & McKechnie, L. (2001). The use of theory in information science research. *Journal of the American society for information science and technology*, 52(1), 62-73.
- Zweizig, D. (1977). Measuring library use. *Drexel Library Quarterly*, 13, 2-15.